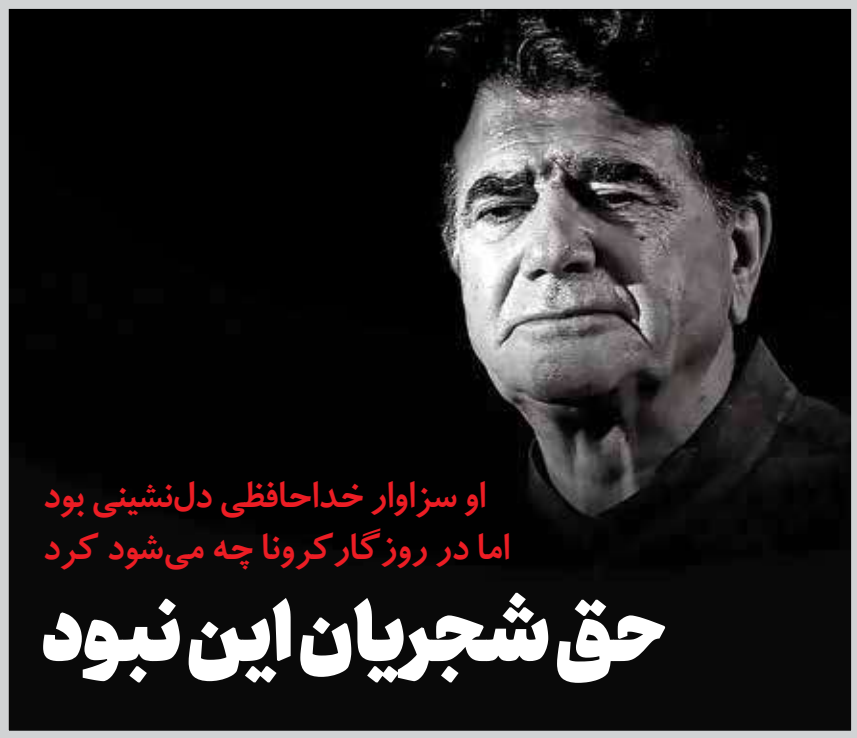

او سزاوار خداحافظی دل‌نشینی بود
اما در روزگار کرونا چه می‌شود کرد

حق شجریان این نبود

■ من محمدرضا شجریان فرزند ایران. صدای من جزئی از فرهنگ کهن ایران است که می‌خواهد به مردم جهان یادآور شود فرهنگ ما انسانی است وپیام آن صلح و صفا و عشق است و پیامی جز دوستی و زندگی نداریم. اگر هم گله‌ای داریم برای رفع نارسایی‌هاست... همان‌گونه که فردوسی زبان فارسی را نجات داد، من هم کوشیدم موسیقی‌مان را نجات دهم»

■ از صدا و سیمایی که استقلال شخصیت و غرور مجری و برنامه‌ساز محبوب ورزشی خود را نیز برنمی‌تابد و او را کنار می‌گذارد شگفت نیست که چهرهٔ برجستهٔ آواز را هم نپسندد اما جای طرح این پرسش هست که چگونه می‌توان به خود لقب رسانهٔ ملی داد و نماد هنر ملی را برنتافت؟ چگونه می‌توان از فرهنگ ایرانی اسلامی دم زد و به نماد هنری آن مجال و میدان نداد؟ چقدر بی‌ذوقی می‌خواهد و تا چه اندازه بیگانگی با زیبایی شناسی؟ آری، شجریان، بودنی بود که شد و ماند و می ماند و اگرچه رفته است و می گوییم «بدرود خنیاگر بزرگ» اما او حیات تازه‌ای را در فرهنگ و هنر ایران آغاز کرده است. چونان برجستگان دیگر خراسان و ایران. از دیروز تا امروز. از مولانا و فردوسی و حافظ تا شجریان.

■ دکتر شفیعی کدکنی سال ۱۳۹۰ و به مناسبت ۷۰ سالگی شجریان شعری سروده بود که در مجلهٔ بخارا چاپ شد و این گونه آغاز می‌شود:

بخوان که از صدای تو سپیده سر برآورد
وطن ز نو جوان شود، دَمی دگر برآورد
بخوان که از صدای تو در آسمان باغ ما
هزار قُمری جوان دوباره پَر برآورد

شاید گمان شود این توصیفات، تشبیه و اغراق شاعرانه است اما یکی از استادان ممتاز زبان و ادبیات انگلیسی و از دوستان او در خاطره‌ای گفته است به چشم خود دیده که شجریان آواز می‌خوانده و پرنده‌ای از بالای درخت پایین آمده است.

گروه فرهنگ و هنر: مرگ چاره‌ای ندارد. درد بی‌درمان است. پزشکان راه به دنیا نیامدن را می‌دانند اما مسیر در دنیا ماندن را بلد نیستند و شاید تا آخر الزمان هم کسی آگاه به این طریق نشود. می‌دانستیم دیر یا زود دست اجل، محمدرضا شجریان را که به حق صدای ایران بود از میان ما خواهد برد اما مرگ در زمانه کرونا، حق خسرو خوبان نبود. الان زمان خوبی است که این شعر عارف قزوینی که شجریان به زیبایی آن را اجرا کرده است را با هم زمزمه کنیم:« چه کج رفتاری؛ ای چرخ / چه بدکرداری؛ ای چرخ»مرگ در عصر کرونا، خیلی غریبانه است. در گوشه و کنار شهر، اقوام و آشنایان هستند اما غریبانه تشییع می‌شوی و بدتر از آن مظلومانه به خاک سپرده می‌شوی تا دیگران دچار کرونا نشوند. خانواده در میان تنهایی خود گریه می‌کنند و با مرور خاطرات می‌سوزند.این حق شجریان نبود؛ همانطور که حقش نبود افطارهای ماه رمضان بدون ربنای او سحر شود. حقش نبود به خاطر کج سلیقگی‌ها در رسانه‌ای که نام ملی را یدک می‌کشد اما میلی‌ترین رسانه ایران است، ممنوع‌الصدا شود.

البته که اشتباه فکر می‌کردند که با پخش نشدن صدای شجریان او از یادها خواهد رفت. استاد آواز ایران در ذهن ایرانی‌ها ماند. چه ایرانی‌هایی که خود دست به کار شدند و به لطف پیشرفت علم، ربنای شجریان را مهمان سفره‌های افطار خود کردند، بدون اینکه احتیاجی به لطف صداوسیما داشته باشند. هنوز که هنوز است وقتی باران می‌آید، درست مثل همان ساعت‌هایی که خبر درگذشت شجریان دست به دست شد، مردم« ببار اِی بارون ببار!! با دلم گریه کن خون ببار!! در شبای تیره چون زُلف یار!» را زمزمه می‌کنند و چه زیبا که در شب رفتن او باران آمد و مردم صدای هق هق آسمان را شنیدند. استاد موسیقی سنتی به مردمش یک آقازاده تحویل داد. آن‌هم در زمانی که آقازاده‌ها هزار حاشیه دارند و هزار حرف پشت سرشان است. دلمان برای صدای شجریان تنگ می‌شود اما دل‌خوش به نوای همایون هستیم. نوایی که کم از پدر ندارد و به حسابی دلبری می‌کند. شاید امروز زمان خوبی باشد که برخی از هنرمندان یک‌بار زندگی شجریان را مرور کنند. ببینند او چگونه زندگی کرد که وقتی مردم خبر رفتنش را شنیدند، بغض کردند و آه کشیدند و زیر لب گفتند«حیف شد» امروز زمان خوبی است که بدانند و بدانیم تنها راه در دل مردم ماندن، کار زیاد و دیده شدن نیست. لازم نیست به هر قیمتی روی آنتن تلویزیون باشیم. می‌شود مثل شجریان بود و از صداوسیما دیده نشد اما همچنان عزیز دل مردم ایران بود. می‌شود شجریان بود اما همه نسل‌های ایران را درگیر خود کرد. امروز دهه هشتادی‌ها هم غصه گوشه دل‌شان خانه کرده و می‌گویند:« دل ز دستم رفت و جان هم/ بی دل و جان چون کنم». شجریان سزاوار خداحافظی دل‌نشینی بود اما چه می‌شود کرد؛ کرونا سبک زندگی‌مان را عوض کرده است. امیدوارم به زودی راه‌مان به توس بیفتد. سری به فردوسی و اخوان ثالث بزنیم و بالای مزار شجریان بایستیم و صدای‌مان را آزاد کنیم که مرغ سحر ناله سر کن.... / عصر ایران

تمدید زمان استخدام در گل گهر

روابط عمومی و امور بین الملل گل گهر اعلام کرد: مهلت ثبت نام در آزمون استخدامی گل گهر تا آخر وقت بیستم مهرماه تمدید شده است. در اطلاعیه این روابط عمومی آمده است: شرکت معدنی و صنعتی گل گهر در نظر دارد جهت تکمیل نیروی انسانی مورد نیاز خود از بین داوطلبان مرد و زن به صورت قراردادی مطابق جدول اعلام شده از طریق برگزاری آزمون کتبی، مصاحبه تخصصی و روانشناختی اقدام به جذب نیرو نماید. در این اطلاعیه اضافه شده : افرادی که متقاضی حضور در آزمون می باشند، می توانند با مراجعه به سایت اینترنتی گل گهر پس از مطالعه دقیق مفاد آگهی و با توجه به شرایط ذکر شده نسبت به ثبت نام در رشته مورد نظر اقدام نمایند. این روابط عمومی در اطلاعیه دوم خود اعلام کرد به خاطر ایّام اربعین حسینی مهلت ثبت نام تا تاریخ یکشنبه ۲۰ مهرماه تمدید شده است. متقاضیان می توانند با مراجعه به سایت www.geg.ir نسبت به اطلاع از شرایط و تخصص‌های لازم و زمان برگزاری آزمون استخدامی مطلع شوند.

رییس جدید روابط عمومی گهرزمین منصوب شد

از سوی مدیرعامل شرکت سنگ آهن گهرزمین مجتبی صادقیان به عنوان مدیر جدید روابط عمومی و امور بین الملل شرکت سنگ آهن گهرزمین منصوب شد. پیش از این، این مسئولیت بر عهده بابک رحیمیان و برای مدت کوتاهی نیز بر عهده شهرام نیکویان بود.

در سوابق مسئولیتی صادقیان مسئولیت بخشداری های بلورد و پاریز، مدیر روابط عمومی فرمانداری و مشاور امور ایثارگران فرماندار دیده می شود. برای مهندس صادقیان که از مدیران بومی شهرستان می باشد آرزوی توفیق داریم.

در توافق سه جانبه شورای شهر، گهرزمین و شهرداری صورت گرفت:

سرمایه‌گذاری ۲۰ میلیاردی در پروژه باغ ایرانی

بدنبال مدتی وقفه در توافق قبلی شهرداری با شرکت سنگ آهن گهرزمین در دوسال قبل، برای ساخت و تجهیز باغ ایرانی در سیرجان، روز چهارشنبه مدیرعامل گهرزمین از مشارکت ۲۰ میلیارد تومانی این شرکت در ساخت این باغ تفریحی در سیرجان خبر داد.

به گزارش روابط عمومی و امور بین الملل گهرزمین مدیرعامل این شرکت گفت: در راستای رسالت و مسئولیت اجتماعی خود با سرمایه‌گذاری ۲۰ میلیارد تومانی در باغ ایرانی موافقت نمودیم. پوریانی افزود: این توافق در جلسه‌ای با حضور مدیران ارشد و هیئت مدیره شرکت سنگ آهن گهر زمین و اعضای شورای شهر و شهردار سیرجان در حضور نماینده مردم به دست آمد.براساس این توافق، شرکت گهرزمین با سرمایه‌گذاری ۲۰ میلیارد تومانی در باغ ۶ هکتاری ایرانی موافقت نموده و در مقابل، شهرداری سیرجان مجوز احداث یک مجتمع خدماتی و رفاهی در این باغ را به گهرزمین خواهد داد.

شهردار سیرجان نیز در این رابطه گفت: در توافق دو سال قبل قرار به تکمیل و احداث کامل این باغ از سوی گهرزمین شد و کارگروه مشترکی از دو طرف نیز تشکیل و کار را تا مراحل تهیه نقشه ها و عملیاتی کردن طرح پیش برد اما متاسفانه در وقفه ای که افتاد کار متوقف ماند. وی از توافق تازه ابراز خوشحالی کرد و گفت: یقینا احداث این باغ زیبا می تواند ظرفیت بوستان ها و تفرج گاههای شهر را که مورد نیاز مردم است بالا ببرد. رئیس شورای شهر سیرجان نیز با تایید این خبر گفت: این توافق در جلسه‌ای با حضور مدیرعامل محترم و تعدادی از اعضای هیئت مدیره و مدیران ارشد شرکت سنگ آهن گهرزمین و با محوریت آقای حسن‌پور نماینده مردم شهرستان حاصل شد. بحث انعقاد تفاهم‌نامه میان شرکت گهرزمین و شهرداری در مورد باغ ایرانی از مدت‌ها پیش مطرح بوده اما به عللی این کار دچار تاخیر شد که در نهایت با ابتکار شهباز حسن‌پور نماینده مردم و برگزاری جلسه برای حل موارد ابهام، سرانجام به نتیجه رسید.

ابوذر زینلی با قدردانی از نقش نماینده سیرجان در انعقاد این تفاهم‌نامه وتاکید بر نقش مشارکت شرکت‌های معدنی در پیشرفت شهر، گفت: علاوه بر سرمایه‌گذاری ۲۰ میلیاردی شرکت گهرزمین، شرکت گل‌گهر نیز مبلغ ۱۰ میلیارد تومان در بحث روشنایی شهر سرمایه‌گذاری نموده و همچنین شرکت توسعه آهن و فولاد گل‌گهر نیز متقبل شده تا کار ساخت سالن همایش‌های شهرداری را صرف نظر از هر میزان سرمایه‌گذاری به سرانجام برساند.

شهردار سیرجان از تصمیم به تکمیل عملیات یکی از پروژهای مهم شهری خبر داد:

احداث سالن یک هزارنفری همایش ها

سالن نیمه تمام همایش ها با ظرفیت یک هزار نفر تکمیل می شود.

به گزارش واحد خبر و امور رسانه مدیریت ارتباطات شهرداری سیرجان دکتر رضا سروش نیا در این رابطه اظهار داشت: در سیرجان برای اجرای مراسم‌های مهم سالن همایش وجود ندارد که خوشبختانه یکی از کارهای شاخص شورای اسلامی شهر و شهرداری احداث بزرگترین و مجهزترین سالن همایش هزار نفری است که به امید خداوند متعال در سیرجان احداث خواهد شد.شهردار سیرجان تصریح کرد: بر اساس توافق نامه بین شهرداری و شرکت توسعه آهن و فولاد گل گهر، این شرکت در راستای انجام مسوولیت های اجتماعی به عنوان مجری ساخت سالن همایش های شهرداری برگزیده شده است.سروش نیا به محل اجرای پروژه و نوع طراحی سالن همایش اشاره کرد و گفت: سالن همایش چند منظوره با طراحی متفاوت در جنب فرهنگسرای شورای اسلامی شهر اجرا می‌شود که در این پروژه خوب، مبانی ترافیکی لحاظ شده و در غرب سیرجان یکی از طرح‌های بسیار خوبی خواهد بود که می‌توان بسیاری از همایش و برنامه‌های مهم را در این محل اجرا نمود.

وی پروژه احداث سالن همایش‌های شهرداری را نیز از طرح‌های خوب و مهم در حوزه فرهنگی برشمرد و افزود: مبلغ ۳۰ میلیارد تومان جهت تکمیل سالن همایش ها توسط شرکت توسعه آهن و فولاد گل گهر اختصاص یافته است. دکتر سروش نیا افزود: این پروژه طبق برنامه‌ریزی‌های انجام شده تا پایان سال ۱۴۰۱ بهره برداری می‌شود که بدینوسیله از جناب آقای مهندس محیاپور مدیر عامل محترم شرکت توسعه آهن و فولاد گل گهر تقدیر و تشکر می نمایم.

وی با بیان اینکه شهروندان باید از بهترین امکانات زیرساختی و رفاهی برخوردار شوند افزود: مشارکت شرکت توسعه آهن و فولاد گل گهر در احداث سالن همایش‌های شهرداری می‌تواند

برخی کاستی‌ها را برطرف کند شهردار سیرجان با اشاره به نامگذاری سال جاری از سوی مقام معظم رهبری تحت عنوان «جهش تولید» گفت: مجموعه شورا و شهرداری در به ثمر رساندن و فرهنگسازی شعار امسال مشارکت و برنامه‌ریزی خواهند کرد.شهردار سیرجان تراز و مقیاس شهر سیرجان نسبت به دیگر شهرهای استان را بهتر و ارجح تر دانست و گفت: شهر سیرجان بعد از مرکز استان کرمان، دومین شهر وسیع و پرجمعیت است و در همین راستا هم باید انسجام و همدلی میان مردم با مجموعه شهرداری بیشتر شود تا شاهد اقدامات زیربنایی بیشتری در شهر باشیم.

ستون ۲

همزیستی با کرونا

من کرونا گرفتم

محمد غیوری

بیش از ۸ ماه از رسیدن مهمان ناخوانده کرونا ویروس به کشورمان می گذرد.نه تنها سر سازگاری ندارد که حتی سر کین نیز با خلق روزگار دارد.سرعت سیر آن نیز نه تنها کم نشده بلکه فزونی و شتاب هم گرفته و آنقدر فراگیر شده است که مصداق بارز ضرب المثل «شتری که در خونه همه میخوابد»شده است.

مهمانی که اگرچه حبیب و عزیز نیست اما عیان است که با استناد به ضرب المثل بالا چشم انتظارش هستیم و هیچ تلاشی نیز به جهت راندن آن از جانب مردم صورت نمی پذیرد.به یاد آورید اسفند و فروردین را، آن همه شور و جدیت و بسیج عمومی مضحک... برخی کشاورزان تراکتورها و سمپاش‌های خود را به شهر آورده بودند و با حل کردن وایتکس در آب، بی‌هدف و بدون توجیه در و دیوار و کف خیابان ها را می شستند. عده ای نیز همان محلول وایتکس و آب را در بطری می‌ریختند و با سر و صدا و همهمه آن را در بین مردم توزیع می‌کردند.! دیدارهای خانوادگی در پیاده روها و از پشت پنجره‌ها انجام می‌شد. شهر خلوت بود، شهری که در آن مقطع وضعیت آن سفید بود اما امروز که وضعیت آن قرمز شده است دیگر هیچ تلاش و جدیتی در مقابله با این ویروس مشاهده نمی کنیم. دوباره حدیث «از سوراخ سوزن رد شدن و از در دروازه رد نشدن» است. البته که باید زندگی جریان داشته باشد و جای خرسندی است که بساط آن همه حرکت‌های بی‌هدف که فقط توأم با شور بود برچیده شد.اما شواهد نشان از آن است که از ورای بام فتاده ایم. این مهم را گذر کشته‌ها و قربانیان ما از مرز ۵۰ نفر در این شهر می‌گوید. آمار روز افزون مبتلایان می گوید.شوربختانه بنده نیز یکی از همین انبوه مبتلایان این ویروس هستم و در همین لحظه که در حال تحریر این مطلب هستم همه علایم ابتلا به این ویروس را تجربه کردم.ذکر چند نکته از این ماجرا و همزیستی نگارنده با کووید ۱۹هدف این نوشتار است.

■ ۱-ترس از این بیماری به حدی زیاد است که مواجهه و ابتلا به این ویروس در نظر افراد، به نوعی مساوی و همسنگ با دیدار فرشته مرگ و خود مرگ است.! ترسی که ناشی از عدم آگاهی است. در صورتی که بنا بر اذعان پزشکان نداشتن استرس و ترس از اصلی‌ترین شرایط مقابله و مواجهه با بیماری کروناست. بنده در دوران ابتلا هر گاه در اثر فکر و خیال به جنبه های منفی این بیماری فکر می‌کردم دچار استرس و تشویش شده و اثر مخرب آن را بر روی خود حس می‌کردم. پس اگر خدای ناکرده به آن مبتلا شدید، گام اول نداشتن استرس و اضطراب است.

■ ۲-به مانند همه مبتلایان من نیز ندانستم و نفهمیدم کی و کجا و چگونه مبتلا شدم اما یقین دارم اگر به روال همان اسفند و فروردین جدیت بیشتری در این رابطه داشتم احتمال ابتلا به مراتب کمتر بود.توجه داشته باشید که گذر زمان منجر به عادی‌سازی ماجرا و سهل‌انگاری نشود.

■ ۳-درست در همان روزی که فهمیدم مبتلا هستم در خانه کنار پدر و مادر و خواهرانم بودم.اطمینان از سلامت خود و بدون رعایت هر گونه پروتکلی، از همه مهمتر در کمال حماقت، فرزندان خواهرم را بوسیدم.بعد از اینکه فهمیدم مبتلا هستم بیش از هر چیزی این حرکت نسنجیده آزارم می داد که با حرکتی احساسی و به دور از عقلانیت دو طفل معصوم را درگیر کرده باشم که خوشبختانه انتقالی صورت نگرفته بود. این تجربه زیستی زنگ خطری بود برای من و اطرافیان برای تغییر رویه و رفتار. تا شرایط عادی می‌شود کودکان تنها به دل عزیز باشند و با حرکت نسنجیده ای پشیمانی به بار نیاوریم.

■ ۴-روزهای قرنطینه روزهای کسل کننده ای است. تا قبل از آن به دنبال فرصتی و فراغتی بودم تا بیشتر مطالعه کنم، فیلم ببینم.اما این بیماری تمرکز را از انسان سلب می کند. در عوض می توانی تفکر کنی. به شوخی و طنز معروف است که درمان کرونا استراحت، خوردن و ترکیدن است.در واقع راه افزایش ایمنی بدن که در اثر ورود ویروس ضعیف شده است تقویت بدن است. تقویتی که جز با هزینه و پول خرج کردن میسر نیست.

صحبت از هزینه کردن و پول خرج کردن در شرایط و اوضاع نابسامان اقتصاد صحبتی گزاف و مضحک است. چه بسیار مردمان مبتلایی که توان هزینه کردن ندارند. بسیارند افرادی که خانه نشینی آنها مساوی با بیکاری آنهاست.پویش خوب و نکویی که این روزها به راه افتاده است این است که از افرادی که قصد پیاده روی اربعین را داشتند دعوت می‌کند تا هزینه سفر به عتبات خود را به چنین افراد مستاصل و درمانده ای بدهند... ای که دستت می‌رسد کاری بکن.